

توانمند سازی سکونتگاههای غیر رسمی بر بنیان سرمایه اجتماعی: گفتمانی غیر کالبدی برای توسعه

مطالعه موردی: کلانشهر تبریز

دکتر فیروز جمالی*

دکتر محمدرضا پورمحمدی**

جواد شریف نژاد***

۱- چکیده

شهرنشینی سریع و شتابان از نیمه دوم قرن بیستم در کشور ایران به وقوع پیوست و این پدیده معلول فرایندهای اجتماعی-اقتصادی و سیاسی در عرصه اقتصاد جهانی و سیاست ملی بود. اجرای سیاست اصلاحات ارضی در ایران و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منطبق بر منطق بنیادین نظام سرمایه داری سازمان نیافته و عقلانیت ابزاری مترتب بر آن بود که مبتنی بر تولید انبوه - مصرف انبوه سرمایه چرخش یافته در اقتصاد و تولید صنعتی کلان شهر تهران و شهرهای بزرگ منطقه ای نظیر تبریز، اصفهان و مشهد، نقشی آوانگار و پیشواز در توسعه ملی بر عهده گرفتند. اما الگوی توسعه بیرون زا و متکی بر مدرنیته غربی، فراتر از ظرفیت کلانشهرهای ایرانی بود، در نتیجه فقدان زیرساختهای خدماتی و عملکردی، اشتغال و ... باعث شکل گیری حاشیه های اجتماعی-اقتصادی و کالبدی با فرهنگ متفاوت شهرنشینی شد که شاید بتوان گفت اولین بازنمون فضایی دوگانگی سنت - مدرنیته ایرانی را به نمایش گذاشت. جمعیت عظیم سکونتگاههای غیر رسمی در کلان شهرهای ایران مانع از تثبیت الگوی توسعه پایدار شهری با محوریت عدالت و برابری می شود که در برابر این چالش عظیم و گسترده توانمند سازی سکونتگاههای غیر رسمی و تلاش برای ارتقاء محیطی آنها می تواند راهبردی موثر برای حفظ کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی-اقتصادی در ایران باشد. در این مقاله رهیافت توانمند سازی جهت توسعه پایدار بر اساس سرمایه اجتماعی ساکنان قرار دارد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی به عنوان چسب نگهدارنده کنشگران حاشیه نشین در شهر تبریز باعث توانمند سازی اجتماعی-اقتصادی و ارتقای محیطی شده و ضمن تسهیل فرایند توسعه پایدار شهری آنرا به کالایی عمومی تبدیل می کند.

واژه های کلیدی: اسکان غیر رسمی - توسعه پایدار - توانمندسازی - سرمایه اجتماعی - تبریز

* استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز

** استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز

*** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۲

۲- طرح مساله

حاشیه‌نشینی^۱، فرجام تمدن صنعتی مدرن و یکی از تجلیات غم‌انگیز شهرنشینی، رشد پراکنده زاغه‌ها است (Ratnadeep&Rawal, 2002:2). بنابر اعلام مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد^۲ در سال ۱۹۹۶ یک پنجم جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی انسان بودند که دامنه گسترده‌ای از بی‌سرنوشتی‌ها و خیابان‌خواب‌ها تا آلونک‌نشینان را در بر می‌گرفت (صرافی، ۱۳۸۱: ۹) و تا سال ۲۰۲۵، طبق برآوردهای بانک جهانی، ۸۸٪ از مجموع رشد جمعیت جهان در نواحی شهری وسیع اتفاق خواهد افتاد و ۹۰٪ از این رشد شهری در کشورهای در حال توسعه جذب خواهد شد (Thorns, 2002:2). بنابراین ملاحظه می‌شود که به موازات شهرنشینی، پدیده حاشیه‌نشینی نیز به تدریج شکل گرفته و هر طرح و برنامه‌ای برای شهر، متضمن نگرش و رویکردی به این پدیده خواهد بود. از اینرو حاشیه‌نشینی یا اسکان غیر رسمی مسأله‌ای گذرا با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقاء، باز تولید و بسط آن وجود

1- marginalization

2-Habitat

دارد که حاکی از عدم کفایت سیاست های توسعه شهری متداول است و رهیافت ها و اقدامات نوینی را می طلبد و نیازمند پی افکندن طرحی نو فراسوی محدودیتها و توافقه های رسمی یا غیر رسمی ساختارهای فعلی است. در دهه های اخیر در طول انجام برنامه ها و طرحهای اجتماعی - اقتصادی توسعه خطی و کارکرد گرایانه ، با نگرشی لیبرالیستی، همه منتظر حل معضل از طریق دست پنهان بازار آزاد و لسه فر^۱ بودند و در همین دوران مخصوصاً دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ راهبرد تخریب و یا انتقال به مسکن اجتماعی و عمومی اندیشیده شد. با انتقاد از آن، در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ راهبرد تامین زمین و خدمات توسط کسانی مانند جان ترنر ارائه شد که با نادیده انگاری موضوعات اجتماع محلی نظیر سرمایه اجتماعی و کالبدی ساکنان این طرحها نیز با شکست مواجه شده و باعث انتقال کلنی فقر و حاشیه نشینی شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ رهیافت توانمند سازی افراد ساکن در این نوع سکونتگاهها را نه به عنوان معضل بلکه بعنوان دارایی می نگرد و ارتقای وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنها را با نقش تسهیل گر دولت بر عهده خود آنان می گذارد تا تعهد و توانمند سازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید. اینگونه رهیافتهای توسعه شهری مبتنی بر جامعه مدنی و اجتماعات محلی موازی با مفهوم توسعه پایدار و گزارش مشهور برانت لند رایج شده اند و در واقع بازگشت به کنشگران اصلی توسعه شهری منتج از نگرانی از پایان توسعه و حتی پایان کره زمین است. زیرا مصرف کنندگان نتایج توسعه با گرفتاری در بیگانگی عمیق اجتماعی و کالایی شدن فرایندهای اجتماعی و زیر سلطه عقلانیت ابزاری، از فرایند توسعه شهری کنار گذاشته شده و تنها به صورت برندگان و بازندگان سهام خواهی از بازی تعادل عرضه و تقاضای اقتصاد بازار شهری همانند بازار مسکن، بازار اشتغال و ... درآمده اند. در این فرایند است که طیف وسیعی از بازندگان بازی توسعه شهری ابزاری، به سکونتگاههای غیر رسمی و حاشیه های جدا از متن افتاده فرو می غلطند. این بازندگان و به حاشیه رانده شدگان تهدید اصلی و چالش

بنیادین تمام ادوار توسعه شهری با هرگونه روش شناسی اقلیدسی، اُزایدی و از بالا به پایین است. رهیافت توانمندسازی با ابتکار عمل بانک جهانی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نظیر برزیل، هندوستان، ایران، اندونزی، غنا و ... در حال اجراست که این رهیافت هم با چالش‌های نظری - مفهومی و هم مشکلات اجرایی عدیده‌ای روبرو است. بنابراین در این مقاله ما به دنبال مفهوم سازی رهیافت توانمندسازی بر اساس یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم مغفول در فرایند توسعه شهری مدرن یعنی سرمایه اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی هستیم تا بتوانیم گفتمانی غیر کالبدی از توسعه شهری را بوجود آوریم که همه کنشگران بازی توسعه شهری، نقشی فعال و موثر در آن ایفا کرده باشند. بنابراین سوال اساسی و اصلی تحقیق چنین است: سرمایه اجتماعی شهروندان چگونه می‌تواند رهیافت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی را تقویت کند؟

۳- چارچوب نظری

۳-۱- نظریه سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار قبل از سال ۱۹۱۶ م، توسط هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما علیرغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی تا سال ۱۹۶۰ که توسط جین جاکوب در برنامه‌ریزی شهری به کار برده شد، شکل جدی به خود نگرفت (الوانی، نقوی، ۱۳۸۳: ۴). جین جاکوب این مفهوم را در اثر خود با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» به کار برده است. وی توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه‌های قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در مورد حفظ نظافت، کاهش جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات کیفیت زندگی، مسئولیت بیشتری (در مقایسه با نهادهای رسمی مانند پلیس) از خود نمایش می‌دهند. پیر بورديو از اصطلاح فضای اجتماعی که بر آید دو سرمایه اقتصادی و فرهنگی است نام می‌برد (پیری، ۱۳۸۴: ۲۲) و هدف او

بازسازی نظریه قشر بندی مارکسیستی است. شبکه روابط و نهادهایی که به عنوان زمینه های سرمایه اجتماعی مد نظر بوردیو است، بیشتر در جهت رسم قشر بندیهای اجتماعی و تجدید نظر در سلسله مراتب اجتماعی (به عنوان جایگزین طبقات) به کار می رود که صرفاً مبتنی بر مولفه های اقتصادی می باشد، بوردیو این مفهوم را به عنوان "حاصل جمع منابع بالفعل و یا بالقوه ای که به مالکیت شبکه پایدار مناسبات کمابیش نهادی شده ارتباط یا شناخت متقابل مربوط اند" تعریف کرده است (Bourdieu,1985:248). اما ادبیات کنونی این حوزه بیشتر متأثر از دیدگاههای جیمز کلمن در دهه ۱۹۸۰ و رابرت پاتنم در دهه ۱۹۹۰ است (خاندوزی، ۱۳۸۳: ۵۵)، که در جدول زیر نظرات این سه دانشمند آورده شده است.

جدول ۱ - تعاریف مختلف از سرمایه اجتماعی بر اساس هدف و سطح تحلیل.

سطح تجزیه تحلیل	هدف	تعریف سرمایه اجتماعی	
افراد در حال رقابت باهم (فرد به فرد)	رسیدن به سرمایه اقتصادی	منابعی هستند که منابع عمومی را مورد ارزیابی قرار می دهند	بوردیو
افراد در گروههای فAMILI و اجتماعی	رسیدن به سرمایه اقتصادی	جنبه هایی از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منابع خود استفاده می کنند	کلمن
حکومت های سیاسی در سطح ملی (گروه با حکومت ملی)	رسیدن به دموکراسی و توسعه اقتصادی	اعتماد، هنجارها و شبکه هایی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است	پوتنام

عموماً پنج نوع سرمایه قابل شناسایی است: سرمایه انسانی (مهارتها، دانش، توانایی کار)، سرمایه مالی (پس انداز، پول نقد)، سرمایه طبیعی (زمین، آب، مواد معدنی)، سرمایه فیزیکی (زیرساخت و خدمات) و سرمایه اجتماعی (Mubangizi,2003:140). که در زیر سرمایه اجتماعی مورد کنکاش قرار گرفته است. بر اساس ادبیات موجود سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه ای از هنجارها و قوانین و شبکه های غیر رسمی که

همراهی، اعتماد و کنش جمعی برای به دست آوردن کالای عمومی را فراهم می آورد (Maru, 2007: 183) بادقت در نظریات فوق مشخص می شود که سرمایه اجتماعی به مجموعه روابط غیر رسمی، پیوندها و ارتباطات اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می شود که بانک جهانی در گزارش خود در سال ۱۹۹۷ از آن به عنوان "حلقه گمشده" در فرایند توسعه اشاره می کند و آنرا همانند سایر اشکال سرمایه می شناسد که به دلیل نظارت بر کنش های فاعلان اقتصادی و سازماندهی شیوه تولید، نقش مؤثری در فرایند رشد اقتصادی ایفا می کند (Mubangizi, 2003: 142). گروتائرت و ون بلاستر یک چارچوب نظری مفیدی را برای مطالعه سرمایه اجتماعی در شهرها فراهم آورده اند. ایشان حوزه، شکل، و کانالهای جاری شدن سرمایه اجتماعی را مورد بحث قرار داده اند. حوزه سرمایه اجتماعی عبارتند از: الف: سطح میکرو یا خرد که در مطالعه رابرت پوتنام بر روی سازمانهای شهری ایتالیا در سال ۱۹۹۳ عینیت می یابد که در آن سرمایه اجتماعی به انواع مختلف سازمان اجتماعی همانند شبکه های افراد یا خانواده ها و هنجارها و ارزشهای مشترک اشاره دارد. ب: سطح میانی: همانند کارهای جیمز کلمن که در آن روابط عمودی همانند روابط افقی در درون و در بین هویت های مختلف همانند شرکتهای بازرگانی به عنوان سرمایه اجتماعی تلقی می شود و ج: سطح ماکرو یا کلان که شامل محیط اجتماعی و سیاسی می شود که فراتر از روابط وسیع غیر رسمی و اغلب محلی، افقی و سلسله مراتب عمودی، ساختارهای اجتماعی را شکل می بخشد و در بردارنده ساختارها و روابط نهادی همانند نظامهای سیاسی، نقش قانون، سیستم دادگاه و آزادی های مدنی و سیاسی نیز می شود (Blanco & Campbell, 2006: 173). اما محققان ابعاد مختلفی را برای این مفهوم بر شمرده اند که دو بعد کلی آن عبارتند از:

۱- سرمایه اجتماعی ساختاری؛ بسیار اَبژکتیو و به صورت بیرونی و قابل مشاهده بنا می‌شود و از طریق نقش‌های معین، شبکه‌های اجتماعی و دیگر ساختارهای اجتماعی که بوسیله قوانین، فرایندها و سوابق پشتیبانی می‌شود به وجود می‌آید. این عناصر ساختاری به عنوان نمودهای رفتاری سرمایه اجتماعی (Yip,2007:37) نگریسته می‌شود و بنابراین به مشارکت در گروه‌ها، اجتماع محلی و فعالیت‌های مدنی همانند شبکه‌های اجتماعی، نقش‌ها و هنجارها اشاره می‌کند (Brune,2009: 886).

۲- سرمایه اجتماعی شناختی؛ به هنجارها و ارزش‌های مشترک، اعتماد، رفتارها و عقاید اشاره می‌کند. این مفهوم از سرمایه اجتماعی بسیار سوَبژکتیو و مفهومی غیر قابل لمس است (Blanco&Campbell,2006:173). عناصر شناختی به نموده‌ها و نشانه‌های نگرشی مربوط می‌شود و اعتماد به سایر اعضای اجتماع محلی نمونه‌ای از آن است (Brune,2009:886; Yip,2007:37). بنابر این سرمایه اجتماعی دارای یک بعد ساختاری یا شبکه‌های اجتماعی است و یک بعد فرهنگی یا هنجارهای اجتماعی است. عنصر ساختاری، روابط بین مردم را از طریق کاهش هزینه‌های معاملات تسهیل می‌کند و عنصر شناختی آن، مردم را به برقراری چنین روابطی ترغیب می‌کند (Scheffler and et al,2008: 1604) در عین حال سرمایه اجتماعی شناختی می‌تواند به عنوان پیامد سرمایه اجتماعی ساختاری نگریسته شود (Engstrom and et al,2008: 2269). به دنبال اقبال عمومی به نظریه سرمایه اجتماعی در علوم اجتماعی و حتی طرح آن در محافل روزانه و رسانه‌های ملی، بانک جهانی یکی از نخستین موسساتی است که به منظور موفقیت پروژه‌های اقتصادی و عمرانی، تقویت بنیان‌های سرمایه اجتماعی را ضروری می‌داند. این نهاد بین‌المللی سرمایه اجتماعی را اینچنین تعریف کرده است: سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی اشاره می‌کند که کیفیت و کمیت کنش‌های متقابل اجتماعی را شکل می‌دهد. این مفهوم جمع ساده‌نهادهایی که یک جامعه را پی‌ریزی می‌کنند نیست بلکه چسبی است که آنها را در کنار یکدیگر نگه می‌دارد (World bank website,2000). بحث از سرمایه اجتماعی در طرح‌های توسعه شهری،

عمدتاً مبتنی بر مشارکت شهروندان و مسئولیت پذیری آنها و همچنین تقویت یکپارچگی اجتماعی و حس تعلق جمعی و مکانی است. بنابراین تولید سرمایه اجتماعی و افزایش آن در سطح محلات مخصوصاً سکونتگاههای غیر رسمی به منظور توانمند سازی اهمیت می یابد که منابع تولید سرمایه اجتماعی عبارتند از:

۱. منابع طبیعی شامل خویشاوندی و نژاد و قومیت
۲. منابع نهادی که عموماً عقلانی و رسمی است؛ یعنی هنجارها در نتیجه کنش هدفمند موثر بر اجتماع که به طور کلی از طریق نهادی مشخص مانند دولت ساخته شده باشد.
۳. منابع رفتاری خود جوش؛ این هنجارها به جای آنکه از قانون یا نهادهای رسمی بر کشند، از کنشهای متقابل اعضای یک اجتماع بوجود می آیند و ناشی از انتخاب تعمدی نیستند.
۴. منابع برون زا شامل دین، ایدئولوژی و فرهنگ و تاریخ مشترک. (همان منبع)

۳-۲- رهیافت توانمند سازی سکونتگاههای غیر رسمی

واژه توانمند سازی^۱ در بافت های اجتماعی- فرهنگی و سیاسی مختلف معانی متفاوتی را به خود می گیرد که شامل کنترل، قدرت متکی به خود^۲، اتکاء به خود^۳، انتخاب، زندگی شرافتمندانه مطابق با ارزشهای خویش، ظرفیت چالش و مقابله بر سر حقوق خویش، آزادی، آگاهی و توانایی می باشد که در درون نظامهای ارزشی و عقیدتی جای دارد (Narayan, 2002: 13-14). با این حال بانک جهانی تعریف رسمی این واژه را این چنین بیان داشته است: "توانمندسازی عبارت است از گسترش دارایی ها و توانایی های افراد فقیر به منظور مشارکت، چانه زنی، تاثیر گذاری، کنترل و حفظ موسسات پاسخگویی که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می دهند. (Ibid). به عبارتی

1-Empowerment
2-self- power
3- self-reliance

توانایی گروه‌های محروم برای استفاده از فرایندهای و ساختارهای رسمی به منظور دستیابی به منابع، خدمات و فرصتها است (Asian development bank, 2010, 10). رویکرد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی که با توجه به مقیاس رشد شهرنشینی و افزایش سکونتگاه‌های غیررسمی در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی بکار گرفته شده، مسئله سکونت غیررسمی را در چارچوب رهیافت جامع‌تر تأمین مسکن و در ارتباط با اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاستگذاری‌ها و ابزارهای موجود مورد توجه قرار می‌دهد، به این مفهوم که تأمین مسکن برای اکثریت جمعیت شهری به صورتی کارآمد فقط از طریق رویکرد جامع توانمندسازی امکان‌پذیر است که شامل دسترسی به تأمین منابع مالی و اعتباری، زیرساختهای پایه و خدمات و به رسمیت شناختن تصرف و حق مالکیت آنها است. توانمندسازی از این دیدگاه، استفاده صرف از خزانه دولتی نیست بلکه ایجاد زمینه بهره‌گیری از توان و منابع محلی این جوامع در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی است. این رهیافت بر دیدگاه فقر زدایی و توسعه پایدار انسان محور با تکیه بر مشارکت شهروندان و مدیریت شهری متکی است (Friedmann, 1992: 59) در عین حال توانمندسازی باید به ظهور رهبریت در میان اجتماعات محلی بینجامد (Pal, 2008: 434). چالش اصلی توسعه کلانشهرهای معاصر ایران به منظور پیشتازی در اقتصاد ملی و تعامل با اقتصاد جهانی، وسعت و پراکندگی غیر قابل انکار سکونتگاههای غیررسمی است. به همین منظور دولت سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی^۱ را با هدف حل معضلات مبتلابه شهرها در ارتباط با پدیده سکونتگاههای غیررسمی تدوین کرده است.

۳-۲-۱- عناصر اصلی رهیافت توانمندسازی: تلاشهای موفقیت آمیز به منظور

توانمند کردن مردم فقیر باعث افزایش آزادی انتخاب و عمل آنها در بافتهای مختلف می شود. چهار عنصر مشترک رهیافت توانمندسازی عبارت است از:

۱- دسترسی به اطلاعات

۲- مشارکت و شمول

۳- پاسخ گویی

۴- ظرفیت سازمانی محلی (Narayan, 2002: 13-14)

عناصر فوق در زیر به صورت جداگانه بحث شده است اما آنها به صورت در هم بافته و ترکیبی عمل می کنند.

۳-۲-۱-۱- دسترسی به اطلاعات: مارکس در گروندریسه می نویسد: درک انسان از طبیعت و سلطه وی بر آن به واسطه حضور وی به مثابه پیکره ای اجتماعی.... به منزله سنگ بنای عظیم تولید و ثروت به شمار می رود. بطوری که دانش عمومی اجتماعی به صورت نیروی مستقیم و بلاواسطه تولید در می آید (فرانسوا لیوتار، ۱۳۸۱: ۲۵۴). در حال حاضر ما در دنیایی زندگی می کنیم که گذشتگان ما حتی رؤیای آنرا نمی توانستند تصور کنند و هر روز عبارت جهان کوچک را در مکالمات روزانه خود می شنویم. این شرایط معلول انقلاب فناوری های حمل و نقل و ارتباطات است (Muray, 2006: 4). یکی از عوامل نیرومند ایجاد تحول در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، همانا انقلاب اطلاعاتی و یکپارچه سازی سازی فناوری های منفک- همچون کامپیوتر، ارتباطات راه دور، تلویزیون- در رسانه ای فراگیر به منظور تولید، انبارش و تبادل اطلاعات است (پیتر هال و واولریخ فایفر، ۱۳۸۸: ۱۶) که یکی از نزدیکترین شاخصهای بیانگر گذار به جامعه اطلاعاتی تحولات اشتغال است. کارکنان اطلاعاتی در دهه ۱۹۹۰ نسبتی بین ۳۵ تا ۵۰ درصد داشته اند (Castells, 1996: 301). جریانهای اطلاعاتی دو وجهی از دولتها به شهروندان و از شهروندان به دولتها برای هر دو حیاتی و امر مهمی است و شهروندان آگاه آمادگی بهتری برای در اختیار گرفتن فرصتها، دسترسی به خدمات، کاربست حقوقشان، چانه زنی به شیوه موثر و حفظ روحیه پاسخگویی کنشگران دولتی و غیر دولتی دارند. همچنین دسترسی به اطلاعات مناسب درباره فرصتهای کار مزدی، خدمات عمومی قابل دستیابی، روشهای مشخص محافظت از سلامت، روشهای تولید مسکن و صور متغیر سیاسی نقش مستقیمی در

بازماندگی خانوارهای فقیر دارد (Pacione, 2005: 589-590). بدون اطلاعات فقرا توان کمتری برای کنش موثر خواهند داشت. انتشار اطلاعات فقط به معنی واژگان نوشته شده نیست بلکه شامل بحثهای گروهی، شعر، داستان سرایی، بحثها، تئاتر خیابانی، سخنرانی های خیابانی - و شکلهای دیگری که مناسبت فرهنگی دارند - و بکارگیری رسانه های مختلف نظیر رادیو، تلویزیون و اینترنت می شود (Narayan, 2002: 19). ژان فرانسوا لیوتار در کتاب *وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش*، که عده ای این کتاب را مانیفست اندیشه پست مدرن تلقی می کنند با جسارت می گوید که اطلاعات را به صورت آزاد و در همه جای دنیا در اختیار همه قرار دهید (Lyotard, 1999). تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) می تواند نقش های مهمی در ارتباط مردم فقیر به خدمات دولتی داشته باشند.

۳-۲-۱- مشارکت و شمول: یکی از عناصر کلیدی رهیافت توانمند سازی، مشارکت افراد و گروههای فقیر در جریان سیاست و تصمیم گیری در جامعه شهری ارگانیک است. مشارکتی که براساس گفتگوی دو جانبه شکل می گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می بخشد (خضرای، ۱۳۸۱: ۵۶) و باعث ورود آنها به حوزه عمومی^۱ می شود. طرفداران اندیشه انتقادی و مکتب فرانکفورت معتقد هستند که این حوزه به شدت زیر سلطه عقلانیت ابزاری، شیء گشتگی مدرن و علوم اثباتی، روبه افول گذاشته است که مبنایی را برای ساخت شکنی و خردستیزی اندیشمندان پست مدرن چون ژاک دریدا، میشل فوکو، ژان فرانسوا لیوتار، دیوید هاروی، مک کارتی و ... فراهم آورده است. تعقل ابزاری - استراتژیک از منظر فوکو و هابرماس تعقلی است که هدف و موفقیت آن در اعمال سلطه هر چه موثرتر و بیشتر بر طبیعت و انسان است (حقیقی، ۱۳۸۳: ۱۸۸). به نظر هابرماس شناخت علمی به معنی اثباتی مبتنی بر یک دسته علایق انسانی یعنی علایق تکنیکی است. وی در مقابل، علایق عملی انسان و درک روابط تفاهمی و بینادهنی که بر ویژگی زبان در

انسان تکیه دارند مبنای حوزه شناخت تاویلی می داند و از دو خط عقلانیت در تمدن یعنی عقلانیت ابزاری و عقلانیت فرهنگی (ارتباطی) بحث کرده است. او معتقد است که گسترش حوزه عقلانیت ارتباطی مستلزم گسترش تواناییهای کلامی و ارتباطی است (هولاب، ۱۳۸۸: ۵-۶). مباحثه (گفتمان) عقلانی فارغ از سلطه و آسیبهای زیباشناختی و معطوف به تفاهم بین الاذهانی و وفاق و اجماع، دقیقاً همان نوع عملی است که مناسب حوزه عمومی است (همان منبع: ۳۱). مشارکت شهروندان فقیر در کلنی های فقر شهری و حاشیه های جدا افتاده از متن شهر، می تواند محمل کنش ارتباطی و کلامی، ورود به حوزه عمومی، شناخت فرهنگی متقابل و درک بیناذهنی شود. رهیافت توانمند سازانه به مردم فقیر همچون تولید کنندگان جمعی می نگرد که توانایی و قدرت کنترل بر تصمیمات و منابع حداقلی شان - مخصوصاً منابع مالی - را دارند. شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می بخشد (خضرای، ۱۳۸۱: ۵۶). مشارکت پایدار مردم فقیر در جوامعی با هنجارهای محکم محرومیت یا جوامع چند قومیتی با سابقه تضاد و ناسازگاری، فرایند پیچیده ای است که نیازمند مکانیسم های جدید، منابع، تسهیلات، آمادگی مداوم و آزمون و خطا است (Narayan, 2002: 19-20). مشارکت این افراد اشکال مختلفی می تواند به خود بگیرد:

- مستقیم
- به صورت نمایندگی، بوسیله نمایندگانی از گروهها و انجمن های عضو
- سیاسی، از طریق نمایندگان منتخب
- اطلاعات - مبنای، با جمع آوری و گزارش داده ها و اطلاعات بصورت مستقیم و یا با میانجی هایی به تصمیم گیران محلی و ملی.
- مشارکت بر مبنای مکانیسم های بازار رقابتی، برای مثال بوسیله حذف موانع و محدودیتها (Ibid)

۳-۲-۱-۳- پاسخگویی: این اصل به توان به چالش کشیدن و سوال کردن از نهادهای دولتی که بودجه های عمومی را مصرف می کنند اشاره می کند، چرا که تصمیمات آنها رفاه مردم فقیر را تحت تاثیر قرار می دهد. رشوه خواری وسیع که به معنی استفاده نادرست از اموال عمومی در جهت منافع خصوصی است مردم فقیر را بسیار متاثر می کند. البته تقاضای پاسخگویی از طریق نظام قضایی صورت می گیرد که خود به چارچوب قانونی و سیاسی پشتیبانی کننده و حمایت کننده نیازمند است (Asian development bank, 2010: 59). سه نوع مکانیسم اصلی پاسخگویی وجود دارد که عبارتند از:

- پاسخگویی سیاسی، توسط احزاب و نمایندگیهای سیاسی منتخب از طریق انتخابات

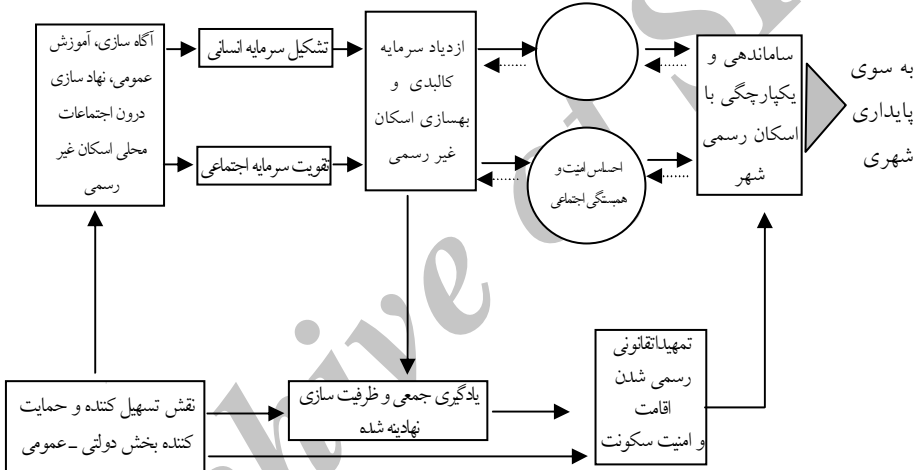
- پاسخگویی اداری: توسط عاملان دولتی از طریق مکانیسمهای پاسخگویی داخلی

- پاسخگویی عمومی و یا اجتماعی: مکانیسمهای این نوع پاسخگویی نهادهای دولتی را در برابر شهروند ان پاسخگو نگاه می دارد. (Narayan, 2002: 21).

۳-۲-۱-۴- ظرفیت سازمانی محلی: این موضوع به توانایی مردم برای کارکردن با همدیگر، سازماندهی و تحرک منابع برای حل مسائل و مشکلات عمومی اشاره دارد. بنا به تعریف کلی، ظرفیت (اجتماع محلی)، داراییهای مالی، کالبدی و اجتماعی را در بر می گیرد که چنانچه در بخشهای قبلی بحث شد از رهگذر وجود و تشکیل نوعی سرمایه اجتماعی اتصالی و به هم پیوستگی بوجود می آید و کمیسیون عالی توانمند سازی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ اشاره می کند که قانونی کردن دارایی های غیر رسمی فقرای شهری موضوع مرکزی است (Gelder, 2010: 449) سازمانهای مردم فقیر اغلب غیر رسمی هستند مانند گروههای زنانی که به همدیگر پول یا برنج قرض می دهند. این گروهها می تواند با ثبت قانونی و یا بدون آن شکل رسمی به خود بگیرد. مانند گروههای کشاورزان یا کلوبهای همسایگی (Ibid: 22). این گروهها باعث

ظرفیت سازی اجتماعات محلی فقیر و بهره مندی از توانایی همدیگر برای جبران کمبودهای مالی و غیر مالی می شود. این ظرفیت سازی شبیه آن چیزی است که اقتصاد دانان آنرا صرفه جویی های خارجی تولید عنوان می کنند. یعنی همچنان که بعضی از بنگاهها از توان و ظرفیت فنی و تولیدی بنگاه دیگر استفاده می کنند تا هزینه های خود را پایین آورند ظرفیت سازمانی اجتماعات محلی نیز چنین نقشی در بعد اجتماعی بازی می کند که پیامد آن از منظر نظریه بازی، وضعیت برد-برد برای گروههای اجتماعی فقیر خواهد بود (شکل ۱)

شکل ۱- چارچوب توانمند سازی سکونتگاههای غیر رسمی



مأخذ: صرافى، ۱۳۸۱

۴- روش تحقیق:

۴-۱- نوع تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است که داده‌های مورد نیاز به طریق زیر بدست آمده است:

الف - مطالعات اسنادی: شامل مطالعه منابع موجود درباره اسکان غیر رسمی و راهبرد توانمندسازی و نیز مطالعه گزارشها و طرحهای موجود درباره اسکان غیر رسمی در تبریز^۱.

ب - مطالعات میدانی: شامل تکمیل پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده وضعیت کالبدی - اجتماعی و اقتصادی

۴-۲- جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش، سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز می‌باشد که با توجه به موضوع تحقیق و مشاوره با مسئولین شهرداری تبریز، محله سیلاب قوشخانه به عنوان مورد مطالعه انتخاب شد که با دارا بودن جمعیتی در حدود ۲۵۵۰۹ نفر، یکی از لکه‌های بزرگ جمعیتی سکونتگاههای غیر رسمی را در تبریز تشکیل می‌دهد.

۴-۳- روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای خوشه‌ای و سیستماتیک استفاده شده است. بدین صورت که با استفاده از نقشه کاربری اراضی محله سیلاب قوشخانه ابتدا خوشه‌های مختلفی انتخاب و سپس از داخل خوشه‌ها، به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و با استفاده از فرمول عمومی کوکرانتعداد ۳۰۰ خانوار از ساکنان به عنوان نمونه انتخاب و پرسشگری شده است. واحد تحلیل در نمونه آماری خانوار می‌باشد. مقدار حجم نمونه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۰/۰۶ انتخاب شده است. سپس به کدگذاری و تشکیل بانک اطلاعاتی در نرم افزار SPSS اقدام کرده

۱- از جمله گزارش امکان‌سنجی طرح بهسازی شهری (تهیه شده توسط مهندسین مشاور زیستا)، طرح جامع شهر تبریز، کتاب حاشیه‌نشینی در شهر تبریز (تالیف دکتر کریم حسین زاده دلیر)، کتاب محلات شهر تبریز

(تالیف بهروز خاماچی) و نتایج سرشماری عمومی ۱۳۸۵

۲- سرشماری سال ۱۳۸۵

و در نهایت با توجه به جوابهای داده شده و با استفاده از آماره T-test اقدام به آزمون فرضیات نمودیم.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{2 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

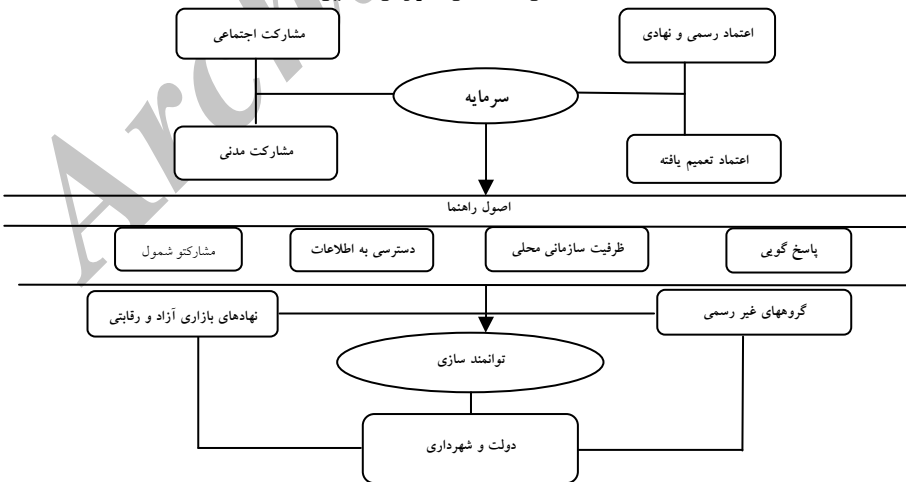
۴-۴- فرضیه تحقیق

به نظر می رسد سرمایه اجتماعی ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی تبریز در تقویت و تسهیل توانمندسازی آنها تاثیر دارد.

۴-۵- مدل مفهومی

در این رساله، سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و توانمند سازی به عنوان متغیر وابسته است که با عطف توجه به این موضوع مدل مفهومی نشانگر تناظر مولفه های هر دو مفهوم با یکدیگر است. شاخصها و گویه های طرح شده در پرسشنامه در واقع منتج از مدل مفهومی است.

شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق



۴-۶-تامین قابلیت اعتماد

به منظور پایایی تحقیق از درون یابی آماری برای قابلیت اعتماد سازه ها و ضرایب آلفا از فرمول کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۲- آلفا کرونباخ سازه های تحقیق

متغیرها	سازه	تعداد گروه	آلفای کرونباخ
مشارکت و شمول	تاثیر مشارکت افراد در مسائل عمومی شهر در مسئولیت پذیری مدیران شهری	۳	۰/۸۰
	فساد اداری و رشوه خواری مدیران شهری نتیجه عدم دخالت مردم در مسائل عمومی	۳	۰/۸۵
	حضور فعال در انجمن های مدنی مانند انجمن اولیا و مربیان مدرسه، نقش مهمی در مشارکت مدنی مردم دارد	۲	۰/۷۶
	کارهای گروهی و تشکل های اجتماعی ضامن شفافیت امور مالی و برنامه ریزی بودجه در نهادهای مدیریت شهری (اعتماد نهادی) خواهد بود	۳	۰/۷۸
دسترسی به اطلاعات	انتشار صورت حسابهای مالی نهادهای مدیریت شهری و شفافیت بودجه در کاهش فساد اداری تاثیر دارد (اعتماد نهادی)	۳	۰/۸۲
	فقدان قوانین موضوعه مناسب، پاسخگویی مدیران شهری در برابر افکار عمومی و مردم کاهش می یابد	۳	۰/۸۶
	شرکت در انتخابات و اعتماد نهادی به مسئولان دولتی باعث قانون مداری آنها خواهد شد	۳	۰/۷۹
	نظارت موثر شورای شهر و نهادهای مدنی باعث تقویت بینانهای قانونی اقدامات و مسئولیتهای شهرداری و دسترسی به اطلاعات خواهد شد	۳	۰/۷۹
ظرفیت سازمانی محلی	دخالت همه شهروندان در تصمیم گیری های شهری	۲	۰/۸۰
	مشارکت مردم و گروههای مدنی باعث توزیع فضایی مناسب امکانات و خدمات شهری خواهد شد	۳	۰/۸۱

۸۳	۲	سیاستهای شهرداری و نهادهای مدیریت شهری باید به توزیع مجدد ثروت و منابع به نفع گروههای فقیر جامعه و حاشیه نشینان باشد	
۸۶	۲	اعضای شورای شهر در برابر مسائل و معضلات شهر مسئولیت پذیری بیشتری نسبت به کارکنان شهرداری دارند	
۸۴	۲	پاسخگویی مدیران شهری در برابر شهروندان و مسئولیت پذیری آنان باعث جذب سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی خواهد شد	پاسخ گویی
۸۹	۳	تشکل های اجتماعی گروههای فقیر جامعه همانند حاشیه نشینان شهری باعث افزایش پاسخگویی مدیران شهری در برابر آنها می شود	
۸۹	۳	شبکه اجتماعی موجود در محله مانند هیئت های مذهبی و یا ورزشی نقش مهمی در پاسخگویی مدیران شهری دارد	

۶-آزمون فرضیه

جدول شماره ۲ نشان می دهد که سازه های تحقیق بطور مناسبی همبستگی بین متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته (توانمندسازی) را مورد سنجش قرار می دهد. میانگین ضریب آلفا کرونباخ برای فرضیه مطرح شده عدد ۰/۸۲ می باشد. در ادامه مقاله به منظور محک تجری و تحلیل آماری فرضیه از آزمون T-Test استفاده شده است. فرضیه مقاله بدون در نظر گرفتن آماره $t_{0.05/59}$ از طرف نمونه آماری پذیرفته شده است اما برای آزمون آماری آن، فرضیه $H_0: \mu = \square$ در مقابل $H_1: \mu \neq \square$ را در نظر می گیریم. با استفاده از نرم افزار SPSS مقدار آماره t برابر با $1/449$ بدست آمده است که با توجه به سطح معنی داری 0.05 فرض H_0 رد نمی شود. به عبارت دیگر پیشبرد رهیافت توانمندسازی می تواند و باید بر پایه تاکید بر تقویت و تولید سرمایه اجتماعی باشد (جدول ۳)

جدول ۳- آماره T برای فرضیه اول

T-Test
One-Sample Statistics
One-Sample Test

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
X1	300	59.0600	28.99131	4.09999

Test Value = /82						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
X1	-1.449	49	.001	-5.9400	-14.1692	2.2992

۷- نتیجه گیری و بحث

پدیده اسکان غیر رسمی محصول دوران متاخر شهرنشینی و موازی با برنامه های توسعه ملی بعد از جنگ جهانی دوم در دهه های توسعه خطی یعنی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ می باشد. در این برنامه ها رشد شهری یکی از شاخصهای قابل سنجش و کمی توسعه اقتصادی و رفاه ملی به شمار می آمد و دولتها بدون توجه به موازین برابری و عدالت اجتماعی، شاخصهای کمی توسعه اقتصادی از قبیل میزان صادرات، درصد اشتغال جمعیت، سطح تولید ناخالص داخلی، درصد شهرنشینی جمعیت و ... را مورد برنامه ریزی و سنجش قرار دادند. در این مدل‌های توسعه ملی، شهرنشینی و شهری شدن جمعیت گفتمانی فیزیکی - کالبدی به خود گرفت. به این معنی که همانگونه که در عرصه ملی شاخصهای اقتصادی یگانه مرجع سنجش توسعه ملی بودند در عرصه توسعه شهری نیز تمام روابط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی شهرنشینان به گسترش کالبدی و فیزیکی شهر تقلیل یافت. در انگاره های خطی و تقلیل گرایانه

توسعه شهری اجتماعات محلی و گروههای محروم از منابع اقتصادی در مشاغل غیر رسمی و به همین ترتیب در سکونتگاههای غیررسمی و خارج از عرف رایج متن شهری ساکن شدند. راهبردهای مواجهه با این پدیده نیز طیفی از برخوردهای رادیکالی از قبیل تخریب و پاکسازی اجباری تا سیاست عرضه زمین و خدمات و حتی گرایشهای نئولیبرالی و مبتنی بر بازار آزاد را مبنی بر عدم دخالت نهاد مدیریت شهری در مساله اسکان غیر رسمی را شامل می شود که همگی بر بازتولید این پدیده منجر شده اند. اما رهیافت توانمندسازی با بازگشت به بازیگران اصلی توسعه شهری یعنی اجتماعات محلی و جامعه مدنی گفتمانی غیر کالبدی از توسعه شهری را در پیش می گیرد. در مقاله ما سرمایه اجتماعی با مولفه هایی همچون مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و اعتماد به عنوان چسب نگهدارنده این کنشگران عمل می کند و باعث بالا رفتن میزان پاسخگویی، دسترسی به اطلاعات، مشارکت و شمول و ظرفیت سازمانی محلی برای کنش جمعی به عنوان مولفه های توانمند سازی می شود. با توجه به مدل مفهومی سه عنصر اصلی توانمند سازی یعنی اجتماعات محلی، دولت و بازار و بخش خصوصی است که تعامل آنها از رهگذر پروژه های توانمندسازی به شرح ایفای نقشهای زیر است

۱- دولت و نهاد مدیریت شهری: تسهیل گری و کاهش بوروکراسی در تامین منابع مالی پروژه های ارتقای کالبدی- زیرساختی و توانمندسازی اقتصادی - اجتماعی سکونتگاههای غیر رسمی، تامین امنیت اقامت و به رسمیت شناختن حق سکونت، تشریک مساعی با ساکنین در احداث و ارتقای شبکه زیر بنایی و خدمات رسانی، پژوهش و تحقیق در نو آوری های سازمانی (مانند ضمانت اجتماعی در بازگشت وام) و فن آوری ساختمانی مناسب اجتماعات تهیدست، بهبود بخشیدن به وضعیت تاسیسات زیر ساختی پایه مانند شبکه آبرسانی، بهداشت، شبکه حمل و نقل، برق و روشنایی معابر، دسترسی به منابع اعتباری خرده وام به ویژه برای شاغلین در بخش

غیررسمی، برپایی مناطق ویژه کسب و کار با معافیت‌های مالی ویژه به منظور تجمع بخش غیررسمی

۲- گروه‌های غیر رسمی: تشکیل شوراپارها در محلات مختلف سکونتگاه‌های

غیر رسمی تبریز، تشریک مساعی با دولت در زمینه اجرای پروژه‌ها، تقویت حس همکاری و مشارکت جمعی در بین خود، تجمع نیروهای پراکنده به منظور ارتقای یکپارچه محیطی، مشارکت در طرح‌های توانمندسازی اجتماعی - اقتصادی، برگزاری جلسات هفتگی با ساکنین محله جهت هماهنگی امور و همکاری مردم، رایزنی با ارگانها و مسئولین ادارات جهت اجرایی کردن برنامه‌ها، نظارت بر نحوه اجرای اقدامات اجرایی توسط سازمانهای مسئول در سطح محلات و پیگیریهای لازم، ایجاد روحیه مشارکت در مردم از طریق مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرحها و مشارکت در تأمین نیروی انسانی و ...

۳- بازار و بخش خصوصی: برقراری سازو کارهای غیر مالی بازگشت سود

سرمایه مثلاً از طریق استفاده از نیروی کار ساکنان، ایجاد بازارهای کسب و کار با مشارکت ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی و ارائه کالاهای تولید شده توسط بخش خصوصی، اجرای پروژه‌های مسکونی و گذران اوقات فراغت جهت جذب سرمایه‌های اقتصادی شهر و

فهرست منابع

۱. الوانی، سید مهدی، سید نقوی، میرعلی (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت
۲. پیری عیسی، خاکپور براتعلی (۱۳۸۴)، آسیب شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه های اجتماعی و کالبدی شهروندان در کاهش آن (دیدگاهی جغرافیایی)، مجله علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره ۲، صص: ۱۳-۳۰
۳. حقیقی شاهرخ (۱۳۸۷)، گذار از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیونار، دریدا، نشر آگه
۴. خاندوزی، سید احسان، استراتژی اقتصادی بر محور سرمایه‌های اجتماعی، نشریه راهبرد، پائیز ۱۳۸۳، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۶- خضرای فرین (۱۳۸۱)، توانمندسازی در اسکان غیر رسمی؛ تجربه زاهدان؛ هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.
- ۷- صراف، مظفر (۱۳۸۱)، مسئله‌ای به نام اسکان غیر رسمی، راه حلی به نام توانمندسازی؛ شهرداریها، سال ششم، شماره ۶۸.
- ۸- هال پیتر، اولریخ فایفر (۱۳۸۸)، آینده شهری قرن بیست و یکم، ترجمه اسماعیل صادقی، ناهید صفایی، انتشارات جامعه مهندسين مشاور ایران
- ۹- هولاب رابرت (۱۳۸۸)، نقد در حوزه عمومی؛ مجادلات فلسفی یورگن هابرماس با پوپری ها، گادامر، لومان، لیونار، دریدا و دیگران، ترجمه دکتر حسین بشیریه، نشر نی
- 10- Bane,Rantadeep and Ami Rawal ;Slums-a case study of Anand city,2002;available at:www.lboro.ac.uk/wedc/papers
- 11- Bourdieu P.(1986), the forms of capital , in JG.Richardson,Handbook of theory and research for the sociology of education, New York, greenwood
- 12- Brune N.E, Bossert T.(2009), Building social capital in post- conflict communities: evidence from Nicaragua, Social science and Medicine, No. 68,p: 885- 893
- 13- Blanco H., Cambell T.(2006), social capital of cities: emerging networks of horizontal assistance, available at: www.elsevier.com
- 14- Castells, Manuel (1996), the information age; economy, society and culture, Blackwell press
- 15- Engstrom K., Mattson F., Jarleborg A., hallquist J.(2008), Contextual social capital as a risk factor for poor self – related health: A multi level analysis, Social science and Medicine, N. 66, pp: 2268-2280
5. 15-Gelder Jean – Louis van(2010), what tenure security? The case for a tripartite view, land use policy, No.27,pp: 447- 456
- 16- Murray Warwick E (2006), Geographies of Globalization, routledge press
- 17- Narayan Deepa (2002), Empowerment and Poverty reduction; a source book, the World Bank press.
- 18- Maru Y.T., Macalister R.RJ., Smith M., Stafford S.(2007), Modeling community interactions and social capital dynamics: the case of regional and rural communities of Australia, agricultural systems, No. 92,pp: 179-200
- 19- Mubangizi B.C.(2003), Drawing on social capital for community economic development: insights from a south African rural community, community development, Vol.38.No.2
- 20- Pacione Michael (2005), Urban geography; a global perspective, routledge press
- 21- PalAnirban(2008), political space for the civil society: the work of two community- based organization in Kolkata, Habitat international, No.32,pp.424- 436
- 22- Scheffler R.M. Brown T.T, Syme L., Kawachi I., Tolstykh I., Iribarren C. (2008), community level social capital and recurrence of acute coronary syndrome, Social science and Medicine, No.66,pp: 1603-1613
- 23- Thorns;David.C;The Transformation of cities urban theory and urban life ; 2002;PALAGRAVE;MCMILLAN.
- 24- www.worldbank.org
- 25- Yip W., Subramanian S.V., Mitchel A. Lee D.T.S., Wang J., Kawachi I.(2007), Does social capital enhance health and well-being? Evidence from rural china, Social science and Medicine, No.64, pp: 35- 49